

دکتر ترمپر لانگمن، خدا یک جنگجو است، جلسه ۵ سنتز خدا به عنوان جنگجو

ترمپر لانگمن و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر ترمپر لانگمن هستم و آموزه‌های او در مورد خدا یک جنگجو است. این جلسه ۵، سنتز خدا به عنوان جنگجو است.

بسیار خوب، حالا که پنج مرحله از نبرد خدا علیه شر را مرور کردیم، بیایید کمی در مورد کل ماجرا تأمل کنیم.

و اولین چیزی که می‌خواهم بر آن تأکید کنم، انسجام تصویر کتاب مقدس از خدا به عنوان یک جنگجو است. بله، ما مراحل مختلفی را دیده‌ایم، به ویژه دیده‌ایم که این گذار از جنگ فیزیکی به جنگ معنوی در عهد جدید وجود دارد. اما این گذار در کتاب مکاشفه با داوری خدا علیه شر انسانی و معنوی به اوج خود می‌رسد.

بنابراین، اینطور نیست که این گذار از عهد عتیق به عهد جدید وجود داشته باشد که داوری خدا بر ما به عنوان گناهکاران را نادیده بگیرد، مگر اینکه توبه کنیم و به سوی او برگردیم. و دلیل اینکه می‌خواهم با این تأکید شروع کنم این است که اخیراً نوشته‌های زیادی وجود داشته است که سعی کرده‌اند عهد عتیق را از عهد جدید در مورد این تصویر جدا کنند. و من فکر می‌کنم این کار اشتباه است، اگرچه می‌توانم به افرادی که این استدلال را مطرح می‌کنند احترام بگذارم و آنها این کار را با حسن نیت انجام می‌دهند.

اما فکر می‌کنم پیامدهای منفی‌ای هم از آن ناشی می‌شود. اجازه دهید قبل از اینکه کمی مستقیم‌تر در مورد آنها اظهار نظر کنم، از دیدگاه شخصی‌ام در مورد اینکه مردم چگونه فکر کرده‌اند صحبت کنم، همانطور که در طول ۴۰ سال گذشته در مورد این موضوع جنگجوی الهی فکر کرده‌ایم، یک تغییر در برداشت‌ها رخ داده است. من در سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ شروع به ارائه مقالات و نوشتن در مورد موضوع جنگجوی الهی کردم.

این مربوط به بیش از ۴۰ سال پیش است. در آن زمان، مردم به این موضوع علاقه‌مند بودند، اما این موضوع به ویژه در بین مسیحیان بحث‌برانگیز نبود، به استثنای کسانی که در کلیساهای به اصطلاح صلح بودند، مانند محققان منونایت که مجبور بودند با تصویر خدا به عنوان یک جنگجو با مفهوم خشونت و صلح‌طلبی خود کنار بیایند. و من نوشته‌های آنها را بسیار مفید یافتم، اگرچه در نهایت دیدگاه آنها در مورد صلح‌طلبی را نپذیرفتم.

اما آنچه بین اوایل دهه ۸۰ و اکنون اتفاق افتاد، یازده سپتامبر است. وقتی یازده سپتامبر اتفاق افتاد، مردم سخنان مسلمانان بنیادگرا را در مورد خشونت الهی شنیدند که آنها را به یاد کتاب یوشع می‌انداخت و همانطور که می‌توانید درک کنید، این ممکن است آنها را آشفته کرده باشد. اما با این حال، ما باید به مسئله اخلاق جنگ پردازیم و من، و فکر می‌کنم اکثر ما، تا حدی با آن دست و پنجه نرم خواهیم کرد.

اما نکته‌ای هست که به نظرم مهم است، حتی اگر شخصاً چیزی را در کتاب مقدس مشکل‌ساز یا دشوار بباییم، باید مراقب باشیم که سیستم ارزشی خودمان را بر کتاب مقدس تحمیل نکنیم و در نهایت آنچه را که در کتاب مقدس دوست داریم، انتخاب و گزینش نکنیم. این همیشه خطری است که باید از آن اجتناب کنیم. بنابراین، نویسندگان خاصی وجود دارند، من برخی از آنها را نام می‌برم، گرگ بوید، که در اثری به نام

مصلوب شدن خدای جنگجو «مطالب زیادی در مورد این موضوع نوشته است، پیتراز در کتاب «کتاب» مقدس به من چنین می‌گوید»، اریک سیرت و دیگران

، تز اساسی این است که اگرچه عهد عتیق خدا را خشن توصیف می‌کند، و در نهایت، آنها باید اعتراف کنند عهد جدید نیز همینطور است، ما فقط مکاشفه ۱۹، آیه ۱۱ و بعد از آن را می‌خوانیم، که در مورد بازگشت خدا و اجرای داوری به عنوان یک جنگجو بر تمام قدرت‌های انسانی و معنوی صحبت می‌کند. اگرچه کتاب مقدس در مورد آن صحبت می‌کند، آنها، باید بگویم، راه‌هایی را ابداع می‌کنند تا کتاب مقدس را از تصویر خدا به عنوان یک جنگجوی خشن خلاص کنند. و به عنوان مثال، گرگ بوید این کار را انجام می‌دهد، به گفته او، کامل‌ترین تصویر از خدا، عیسی است.

و من قطعاً با این موافقم، کتاب مقدس این را تعلیم می‌دهد. او در ادامه آن را مشروط می‌کند، و من به شما می‌گویم که چرا فکر می‌کنم او آن را مشروط می‌کند. او فقط نمی‌گوید عیسی، او می‌گوید، تجلی کامل خدا، عیسی بر روی صلیب است.

و بنابراین، او ادامه می‌دهد که هر تصویری از خدا در کتاب مقدس، که با آن استاندارد عیسی بر روی صلیب مطابقت ندارد، یا نتیجه‌ی سازگاری فرهنگی است، و آنز وقتی می‌گوید عهد عتیق اسرائیل است، به نوعی در همین مسیر حرکت می‌کند. خدا به اسرائیل اجازه می‌دهد خدا را با اصطلاحاتی که با آن آشنا هستند توصیف کنند، اما خدای به تصویر کشیده شده همیشه خدای واقعی نیست. اما برگردیم به بوید، او می‌گوید، یا نتیجه‌ی سازگاری فرهنگی است، یا او این را می‌گوید، و حتی اگر او می‌گوید که معصومیت را تأیید می‌کند، من واقعاً نمی‌بینم که چگونه این دو با هم سازگار می‌شوند، اما او می‌گوید، یا محصول ذهن فاسد نویسندگی انسانی است.

و او این را به ویژه در مورد تثنیه ۲۰ می‌گوید، وقتی می‌گوید یوشع هرگز نباید به موسی در مورد قوانین جنگ گوش می‌داد، زیرا باید می‌دانست که خدا واقعاً آن خدا نیست. در میان بسیاری از مشکلات دیگر، تثنیه ۲۰ موسی را به عنوان کسی که این چیزها را از خودش درآورده به تصویر نمی‌کشد، بلکه خدا را به عنوان کسی که به موسی می‌گوید چه کار کند به تصویر می‌کشد. خب، مشکل دیگر این است که اگرچه اصل بوید اساساً به کاهش چشمگیر شهادت عهد عتیق به خدا منجر می‌شود، اما همچنین، به عنوان مثال، او توجه خود را به مکاشفه معطوف می‌کند و می‌گوید که کتاب مکاشفه نیز عیسی را به تصویر می‌کشد، اما نه عیسی را بر روی صلیب.

و بنابراین، مشکلاتی در تصویرسازی کتاب مکاشفه از عیسی وجود دارد. باز هم، ارزیابی نهایی من از کار بوید این است که او با نگاه به کتاب مقدس نه به عنوان متنی که باید توضیح داده و شرح داده شود، بلکه به عنوان مشکلی که باید حل شود، به این سوال نزدیک می‌شود. بنابراین، می‌خواهم دوباره تأکید کنم که در تصویرسازی کتاب مقدس از خدا به عنوان یک جنگجو، از عهد عتیق تا عهد جدید، انسجام وجود دارد.

اینطور نیست که خدا بین عهد عتیق و عهد جدید مشاوره مدیریت خشم داشته باشد. عهد عتیق خدا را به عنوان دوست داشتنی، عادل و قاضی به تصویر می‌کشد، و عهد جدید خدا و عیسی را به عنوان دوست داشتنی، عادل و قاضی به تصویر می‌کشد. بنابراین دوباره، اینجا انسجام وجود دارد.

با این حال، می‌خواهم دوباره تأکید کنم که قبلاً اذعان کرده‌ام که اگرچه انسجام وجود دارد، اما توسعه نیز وجود دارد و دوباره، بر گذار از جنگ فیزیکی به جنگ معنوی امروز تأکید می‌کنم. و واقعاً، واقعاً مهم است که ما خودمان را در مرحله چهارم، زمان جنگ معنوی، نه جنگ فیزیکی، درک کنیم، به این معنی که ما هرگز نباید از خشونت برای تبلیغ انجیل، کلیسا یا عیسی استفاده کنیم. و متأسفانه، کلیسا از خشونت به نام مسیح استفاده کرده و گاهی اوقات هنوز هم استفاده می‌کند.

منظورم این است که می‌توانیم درباره جنگ‌های صلیبی صحبت کنیم، می‌توانیم درباره استفاده از متون عهد عتیق برای توجیه تهاجم اروپایی‌ها به سرزمین سرخپوستان صحبت کنیم و غیره. می‌توانیم درباره اینکه چگونه شنیده‌ام افرادی علیه پزشکان سقط جنین مرتکب خشونت شده‌اند، حتی به آنها شلیک کرده‌اند، آنها را به قتل رسانده‌اند و از خشونت برای تبلیغ انجیل استفاده کرده‌اند، صحبت کنیم. همه اینها استفاده‌های گناه‌آلود از خشونت هستند و با مضمون جنگجوی الهی که ما می‌شناسیم، همخوانی ندارند.

و احتمالاً بیشتر شما این متن را می‌شناسید. این یکی از مشهورترین متون پولس است، اما افسسیان ۶:۱۰ و پس از آن. در نهایت، در خداوند و در قدرت عظیم او قوی باشید.

زره کامل خدا را بپوشید تا بتوانید در برابر نقشه‌های شیطان بایستید. زیرا جنگ ما با انسان نیست، بلکه با فرمانروایان، اولیای امور، نیروهای این دنیای تاریک و نیروهای روحانی شر در قلمروهای آسمانی است. پس زره کامل خدا را بپوشید تا وقتی روز شر فرا می‌رسد، بتوانید در برابر آن ایستادگی کنید و پس از انجام همه کارها، بتوانید بایستید.

پس استوار بایستید، کمر بند حقیقت را به کمر ببندید، زره پارسایی را بر تن کنید و آمادگی انجیل صلح را در پاهایتان بچینید. علاوه بر همه اینها، سپر ایمان را بردارید تا بتوانید با آن تمام تیرهای آتشین شیطان را خاموش کنید. کلاهخود نجات و شمشیر روح را که کلام خداست، بردارید.

بسیار خوب، پس زره کامل خدا را بپوشید و با استفاده از سلاح‌های قدرتمندی مانند دعا و روح و ایمان و نجات، با قدرت‌ها و اقتدارهای معنوی بیرون بجنگید. این نبرد، نبردی نیست که با سلاح‌های فیزیکی بتوان در آن پیروز شد. و در اینجا، همانطور که به آن نبرد معنوی دعوت شده‌ایم، می‌خواهم به عهد عتیق برگردم. و بگویم که نشانه‌های قطعی از یک نبرد معنوی در عهد عتیق وجود دارد.

انگار نه انگار که این ماجرا تازه از عهد جدید شروع شده، بلکه برای اولین بار است که به این نبرد دعوت شده‌ایم. و من اینجا دارم به چند مورد از آنها به طور غیرمنطقی فکر می‌کنم. یکی از آنها که قبلاً به آن اشاره کردم، بلاهایی بود که بر سر مصر آمد.

و می‌خواهم از آخر شروع کنم، وقتی که در شب مرگ نخست‌زاده، خدا می‌گوید، در این روز، من بر خدایان مصر پیروز خواهم شد. و بعد می‌خواهم به شما یادآوری کنم که در اوایل داستان، جادوگران مصری قادر به تقلید برخی از نشانه‌ها و عجایب مانند تبدیل آب به خون و تبدیل عصا به مار هستند. اما ناگهان قدرتشان تمام می‌شود.

بنابراین، به چه کسانی خدایان مصر گفته می‌شود؟ من می‌گویم که اینها قدرت‌ها و اقتدار معنوی شیطانی و اهریمنی هستند که پشت نبرد انسانی قرار دارند. و محققان گفته‌اند که این بلایا در واقع به گونه‌ای طراحی شده‌اند که به مفاهیم خاصی از خدایان مصری حمله می‌کنند. چه تبدیل نیل به خون باشد، چه خدای نیل که خدای باروری به نام هوپی است.

یا به طرز چشمگیری، تاریک شدن خورشید، جایی که خدای خورشید، که نام‌های مختلفی دارد، یکی از رؤسای خدایان، اگر نگوییم خدایان اصلی پانتئون مصر، است. اینها به عنوان پیروزی بر این خدایان دیده می‌شوند. بنابراین، یک نبرد معنوی در پشت مبارزه انسانی در جریان است.

و سپس یک متن دیگر در باب دهم کتاب دانیال یافت می‌شود. و این آغاز چهارمین و آخرین رؤیای آخرالزمانی است که دانیال به ما ارائه می‌دهد. این رؤیا با این جمله آغاز می‌شود: در سال سوم سلطنت کوروش، پادشاه پارس، به دانیال که بلطشصر نامیده می‌شد، وحی داده شد.

پیام آن حقیقت داشت و مربوط به جنگی بزرگ بود. او این پیام را در رؤیایی درک کرد. در آن زمان، من دانیال، سه هفته سوگواری کردم.

من هیچ غذای لذیذی، گوشت یا شرابی نخوردم، لب‌هایم را لمس نکردم و تا پایان سه هفته از هیچ لوسیونی استفاده نکردم. سپس در روز بیست و چهارم ماه اول، به بالا نگاه کردم و مردی را دیدم که لباس کتانی به تن داشت. و به زودی، با ادامه توضیحات، خواهیم فهمید که این یک پیام‌آور الهی، یک فرشته است.

و بعداً توضیح می‌دهد که چرا مدتی طول کشید تا به آنجا برسد. به یاد داشته باشید، دانیال سه هفته منتظر بوده است. آیه ۱۲ می‌گوید: «ای دانیال، از همان روزی که تصمیم گرفتی دانیای کسب کنی و در... برابر خدای خود فروتن شوی، مترس».

سخنان تو شنیده شد و من به آنها پاسخ دادم. اما شاهزاده‌ی پادشاهی پارس بیست و یک روز با من مقاومت کرد. سپس میکائیل، یکی از شاهزادگان ارشد، به کمک من آمد زیرا من در آنجا نزد پادشاه پارس زندانی بودم.

حالا آمده‌ام تا برایت توضیح دهم که در آینده چه اتفاقی برای قوم تو خواهد افتاد. بنابراین، می‌دانیم که میکائیل فرشته‌ای است که بیشترین ارتباط را با اسرائیل دارد، کسی که می‌آید و کمک می‌کند. اما تقریباً مطمئناً جبرئیل به دانیال رسید، اما با مبارزه از طریق چیزی که من آن را روح شاهزاده پارس می‌نامم، راه خود را باز کرد.

بنابراین، یک نبرد معنوی در پس نبرد انسانی و دانیال در جریان است. و در پایان فصل، جبرئیل خواهد گفت، و حالا ما باید برویم و با شاهزاده روح یونان بجنگیم. بنابراین، یک نبرد معنوی در عهد عتیق در جریان است.

اما باز هم، دانیال به آن نبرد دعوت نشده است، همانطور که ما به نبرد معنوی دعوت می‌شویم. و آن نبرد معنوی می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد. یکی از آنها می‌تواند، همانطور که می‌دانید، مبارزه علیه بی‌عدالتی‌ها در جهان ما باشد.

مورد دیگر می‌تواند عمل بشارت دادن باشد، زیرا وقتی ما بیرون می‌رویم و انجیل را به اشتراک می‌گذاریم، باید با این زبان مراقب باشید. اما پولس از این زبان استفاده می‌کند که وقتی کسی مسیحی می‌شود، فرد قدیمی می‌میرد و فرد جدید برمی‌خیزد. بنابراین، باید با آن زبان مراقب باشید تا به شکل اجباری بشارت منجر نشود.

. اما هر چه افراد بیشتری مسیحی شوند، آسیب بیشتری به پادشاهی قدرت‌های روحانی شیطانی وارد می‌شود و در نهایت، نبردی نیز در درون ما در جریان است. من در اینجا به بخشی از رومیان فصل ۷ فکر می‌کنم که در مورد مبارزه‌ای که باید برای گناه نکردن انجام دهیم صحبت می‌کند.

و بنابراین، این یک متن طولانی است. من آن را در آیه ۱۴ ادامه خواهم داد. ما می‌دانیم که شریعت روحانی است، اما من غیر روحانی هستم، مانند برده‌ای به گناه فروخته شده‌ام.

من نمی‌دانم چه می‌کنم، زیرا آنچه را که می‌خواهم انجام دهم، انجام نمی‌دهم. اما آنچه را که از آن متنفرم، انجام می‌دهم. و اگر کاری را که نمی‌خواهم انجام دهم، موافقم که قانون به همین شکل خوب است.

دیگر من نیستم که این کار را می‌کنم، بلکه گناهی است که در من ساکن است. زیرا می‌دانم که خود نیکی در من ساکن نیست، بلکه در طبیعت گناهکار من است. زیرا من میل به انجام کار نیک دارم، اما نمی‌توانم آن را انجام دهم.

زیرا من آن خوبی‌ای را که می‌خواهم انجام نمی‌دهم، بلکه بدی‌ای را که نمی‌خواهم انجام می‌دهم، و آن را پیوسته انجام می‌دهم. حال اگر کاری را که نمی‌خواهم انجام دهم، دیگر من نیستم که آن را انجام می‌دهم، بلکه گناهی که در من ساکن است آن را انجام می‌دهد. بنابراین، من این قانون را در عمل می‌بینم.

اگرچه می‌خواهم کار نیک انجام دهم، اما بدی در من است. زیرا در باطن خود، از شریعت خدا لذت می‌برم اما شریعت دیگری را در خود می‌بینم که با شریعت ذهن من در جنگ است و مرا اسیر شریعت گناه می‌کند که در درون من در کار است.

چه مرد نگون بختی هستم که مرا از این بدن محکوم به مرگ رهایی خواهد بخشید. شکر خدای را که مرا به واسطه‌ی عیسی مسیح، پروردگار ما، رهایی می‌بخشد. پس من خود، در ذهن خود، بنده‌ی شریعت خدا هستم، اما در طبیعت گناه‌آلودم، بنده‌ی شریعت گناه.

حالا می‌دانم که بحثی در مورد اینکه آیا این توصیف کسی قبل از مسیحی شدن است یا بعد از مسیحی شدن وجود دارد. نمی‌دانم نظر شما چیست، اما من در قلب خودم با گناه درگیر هستم. و بنابراین، می‌توانم از جنگجوی الهی‌ام بخواهم که به من کمک کند تا بر آن گناه پیروز شوم.

بنابراین، من فکر می‌کنم زبان نبرد پولس بسیار مناسب است. بنابراین، هنوز این سوال در مورد اخلاق خشونت عهد عتیق علیه دشمنان خونی و جسمی اسرائیل وجود دارد. و این یک سوال دشوار است، به خصوص وقتی که به ایده هرم و نابودی کامل شهرها، از جمله ساکنان آن، مردان، زنان و کودکان مربوط می‌شود.

ما می‌دانیم که این کار هرگز به طور کامل انجام نشد، اما منجر به عواقبی شد که خداوند در مورد آن هشدار داده بود، و آن این است که قوم کنعان تفکر بسیاری از بنی‌اسرائیل را فاسد کردند. بنابراین، آنها در نهایت به پرستش بعل و ارتکاب گناهان و غیره روی آوردند. اما با این حال، این یک سوال بسیار دشوار است.

اما می‌خواهم بگویم در روزگاری مثل روزگار ما، که بسیار نگران عدالت هستیم و می‌بینیم که مردم به خاطر جنایاتشان مجازات می‌شوند، در واقع چیزی که اینجا در موردش صحبت می‌کنیم، مسئله‌ی مجازات عادلانه‌ی مردم به خاطر گناهانشان توسط خداوند است. و من تأملات میروسلاو ولف، که اکنون استاد قدیمی دانشگاه ییل و پیش از آن در مدرسه‌ی الهیات فولر است و در جایی که قبلاً یوگسلاوی نامیده می‌شد و در اثر جنگ بین صرب‌ها و کروات‌ها ویران شده بود، بزرگ شده است، را بسیار مفید یافتم. و توجه کنید که چگونه این به او کمک کرد تا تصویر خداوند را که در کتاب مقدس می‌بینیم، درک کند.

او این را می‌گوید، من قبلاً فکر می‌کردم که خشم شایسته‌ی خدا نیست. آیا خدا عشق نیست؟ آیا عشق الهی نباید فراتر از خشم باشد؟ خدا عشق است و خدا هر شخص و هر موجودی را دوست دارد. دقیقاً به همین دلیل است که خدا نسبت به برخی از آنها خشم دارد.

آخرین مقاومت من در برابر ایده خشم خدا، تلفات جنگ در یوگسلاوی سابق، منطقه‌ای که من از آن آمده‌ام، بود. طبق برخی تخمین‌ها، ۲۰۰۰۰ نفر کشته و بیش از ۳ میلیون نفر آواره شدند. روستاها و شهرهای من ویران شدند.

مردم من روز به روز بمباران می‌کردند. برخی از آنها به طرز غیرقابل تصویری مورد خشونت قرار گرفتند. و من نمی‌توانستم تصور کنم که خدا خشمگین نباشد.

به رواندا در آخرین دهه قرن گذشته فکر می‌کنم، جایی که ۸۰۰۰۰۰ نفر در عرض ۱۰۰ روز به قتل رسیدند. خدا چه واکنشی به این قتل عام نشان داد؟ با ابراز علاقه پدربزرگانه به عاملان این جنایت؟ با امتناع از محکوم کردن این حمام خون، و در عوض تأکید مجدد بر خوبی‌های اساسی عاملان آن؟ آیا خدا به شدت از آنها خشمگین نبود؟ اگرچه قبلاً از بی‌شرمی ایده خشم خدا شکایت داشتم، اما به این فکر افتادم که باید علیه خدایی که از دیدن شرارت‌های جهان خشمگین نمی‌شود، شورش کنم. خدا با وجود عشق خشمگین نیست.

خدا خشمگین است زیرا خدا عشق است. باز هم، فکر نمی‌کنم این موضوع تمام مشکلات ما را با مضمون جنگجوی الهی حل کند، اما مطمئناً فکر می‌کنم این یک دیدگاه مهم است که باید در مورد تصویر کتاب مقدس داشته باشیم. همچنین می‌خواهم کمی در مورد اینکه چگونه باید جنگ در عهد عتیق را به عنوان پیش‌بینی داوری نهایی در نظر بگیریم، صحبت کنم.

اگر بخواهید، پیش‌نمایشی از داوری نهایی است که خداوند به ما می‌دهد تا ما را در مورد داوری نهایی هشدار دهد. و منظورم این است که یکی از معلمان من در گذشته، مردیت کلاین، آنچه را که قرار است در مورد آن صحبت کنم، به عنوان نفوذ اخلاق آخرالزمانی در دوره فیض عام توصیف کرد.

منظور متکلمان از فیض عام این است که خداوند در این زندگی گندم را از کاه جدا نمی‌کند. اتفاقات خوب برای انسان‌های بد می‌افتد و اتفاقات بد برای انسان‌های خوب.

اما تصویر کتاب مقدس این است که هر کسی در زندگی پس از مرگ به آنچه شایسته‌اش است، خواهد رسید. بنابراین، آنچه او می‌گوید این است که چیزی مانند فتح، نوعی دخالت در اخلاق آخرالزمان است. این، نوعی پیش‌نمایش از نوع داوری است که بر سر افرادی خواهد آمد که به رد کردن، مقاومت در برابر خدا، کار علیه خدا، آسیب رساندن به دیگران و روی نیاوردن به عیسی ادامه می‌دهند.

بنابراین، دوباره، فکر می‌کنم این یک روش مشروع برای تفکر در مورد این متون عهد عتیق است. بنابراین امیدوارم این بررسی برای شما مفید بوده باشد تا دامنه وسیع و توسعه مضمون جنگجوی الهی را در کتاب مقدس ببینید. و دوباره، این از پیدایش ۳ تا پایان مکاشفه ادامه دارد.

و بنابراین، این یک موضوع مهم برای ماست که آن را درک کنیم، بدانیم که چگونه در زندگی ما کاربرد دارد و چه چیزی در مورد خدا به ما می‌گوید. ما این جلسه را با صحبت در مورد استعاره‌های متعددی که برای توصیف خدا برای ما استفاده می‌شوند، شروع کردیم. و هیچ یک از آنها چیزی نزدیک به کل تصویر را به تصویر نمی‌کشند.

اما این بخش مهمی از آن تصویر است، زیرا ما آن را در کنار این واقعیت که خدا پدر ماست، خدا پادشاه ماست، خدا همسر ماست و غیره در نظر می‌گیریم. بنابراین من شما را به خاطر مطالعه این استعاره‌های مهم در مورد اینکه خدا کیست، تحسین می‌کنم. این دکتر ترمپر لانگمن در آموزه‌هایش در مورد «خدا یک جنگجو است» است.

من دکتر ترمپر لانگمن هستم و آموزه‌های او در مورد خدا یک جنگجو است. این جلسه ۵، سنتز خدا به عنوان جنگجو است.